

برنامه عمل سیاسی حزب توده ایران (در کوتاه مدت)

پلنوم فروردین ماه ۱۳۶۹ کمیته مرکزی حزب توده ایران با تصویب تجدید نظر در برنامه و اساسنامه حزب گام مثبت جدیدی برداشت. بدون شك تنظيم طرح يك برنامه عملی كه پاسخگوی نیازهای حیاتی این مرحله از پیکار باشد، بسیار دشوار است و نیاز به زمان برای بهره گیری از تجارب گذشته حزب و جنبش و طرازبندی آنها دارد. بر این بنیان پلنوم برنامه عمل سیاسی کوتاه مدت زیرین را به تصویب رساند:

ارزیابی از رویدادهای جهان و سیاست حزب ما

جهان در حال تغییر است. مبارزه خلقها در راه صلح و خلع سلاح بتدریج نتایج مثبتی ببار می آورد. گرچه امپریالیسم، بویژه محافل ارتجاعی تر آن، خصلت تجاوزگرانه خود را از دست نداده، با این وجود، مجبور به تغییر مواضع خود همخوان با برخی از خواستهای اکثریت قاطع ساکنان کره زمین است.

"جنگ سرد" که منبع اصلی جنگ های محلی و منطقه ای است، جای خود را به همکاری دو قدرت بزرگ جهانی - اتحاد شوروی و ایالت متحده آمریکا - می دهد. پایه های عینی تامین صلح و امنیت بشری تقویت می شود. صلح امکان حل مضلات جهانشمولی را که بشریت بویژه در کشورهای جهان سوم با آنها رویاروی هستند، فراهم می آورد. وجود میلیاردها انسان که در جهان سوم در بدترین شرایط واپس ماندگی اجتماعی - اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و نیز فقر زائیده آن زندگی می کنند، در کنار ثروت بیکران قشرهای ممتاز در جوامع پیشرفته سرمایه داری، برای حزب توده ایران غیرقابل پذیرش است.

به نظر حزب توده ایران:

- تامین صلح و امنیت عمومی، بهسازی محیط زیست، مراعات حقوق بشر، رشد ملی و منطقه ای و غیره خصلت همه

بشری بخودی می گیرد و باید از آنها دفاع کرد.
- باید به غارت آشکار کشورهای در حال رشد، که وام عظیم و بهره کمرشکن فقط جلوه ای از آنست، پایان داده شود.
- تحولات بنیادین در آن کشورهایی که تا چندی پیش سیستم جهانی سوسیالیسم را تشکیل می دادند، مهمترین رویدادهای جهان در حال حاضر بشمار می رود. بازپس نشینی از اصول و شیوه های لنینی ساختمان جامعه سوسیالیستی، پذیرش مدل "سوسیالیسم سربازخانه ای"، سوسیالیسم برپایه نظام استالینیستی فرماندهی - اداری که وجه مشترکی با سرشت انسانی و دمکراتیک اندیشه های سوسیالیستی نداشت و به دفورماسیون سوسیالیسم منجر گردید، کشورهای سوسیالیستی را در مجموعه خود دچار بحرانی بیسابقه ساخت و شرایط فروپاشی سیستم جهانی سوسیالیسم را بوجود آورد.
- مهمترین روند در زمینه تحول اوضاع بین المللی و جامعه بشری همچنان ادامه روند دگرگونسازی در اتحاد شوروی است. بدون تردید می توان گفت موفقیت یا عدم موفقیت استراتژی دگرگونسازی در اتحاد شوروی تاثیر بسیار مهمی برسرنوشت جهان در آینده نزدیک دارد. این يك واقعیت عینی است و باید آن را عمیقاً درك کنیم و در محاسبات سیاسی خود در مد نظر قرار دهیم. از این دیدگاه دریافت سرشت و ماهیت دگرگونسازی و نتایج آتی آن برای ما توده ایها اهمیت فراوانی دارد.
- تحلیل سیر رویدادها تا به امروز بیانگر آنست که در اتحاد شوروی روند نفی دیالکتیکی و احیاء هرآنچه ارزنده است و از انقلاب اکتر به ارث رسیده، جریان دارد.
- باید از روند دگرگونسازی در اتحاد شوروی که با سرنوشت بشریت پیوند جدایی ناپذیر دارد، دفاع کرد. نمی توان و نباید مشکلات فراوان و در مواردی، بسیار بزرگ و

بفرنج موجود برسر راه دگرگونسازی را نادیده گرفت.
 - دگرگونسازی استناده از نیروی بالقوه عظیم سوسیالیسم در جهت تامین سعادت انسان، استفاده همه جانبه از دموکراسی سوسیالیستی، احیای حاکمیت واقعی مردم به معنای خودگردانی انسان های آزاد است. دگرگونسازی نقش انسان را به عنوان عامل عمده و موثر در سیاست، اقتصاد و عرصه معنوی پراساس دموکراتیزه کردن همه شئون جامعه برجسته می کند.
 دموکراتیزه کردن و علنیت دو عامل عمده در روند دگرگونسازی است. دموکراتیزه کردن، یعنی استفاده گسترده از دموکراسی سوسیالیستی که عبارتست از گسترش خودگردانی خلقها در پهنای و ژرفای و رقابت آزاد اندیشه ها و استعدادها برپایه پلورالیسم سوسیالیستی و از جمله پلورالیسم سیاسی. علنیت از دیدگاه سوسیالیسم، یعنی گشودن راه نظارت و انتقاد برای توده ها به مثابه شرط ضرور کار ثمربخش ارگانهای حاکمیت دولتی.

آنچه جلب نظر می کند بازنگری بیرحمانه گذشته و از جمله افشای جنایات استالینی در جریان دگرگونسازی است. همه آنچه گفته شد آموزنده است و باید در ارزیابی تاریخ مبارزات گذشته مورد توجه جدی مبارزان توده ای قرار گیرد.
 - باید به کارزارهای وسیع تبلیغاتی سوسیالیسم ستیزی، که در شرایط کنونی عنصر اصلی آن آوازه گری پیرامون به اصطلاح نابودی شکست سوسیالیسم است، پاسخ گفت. روشن است که آنچه شکست خورده نظرات غیرسوسیالیستی تحمیل شده به سوسیالیسم، زیرپاگذاردن موازین و اصول ساختمان سوسیالیسم، نقض قانوندهیهای آن، اشتباهات اراده گرایانه، جزم اندیشی در تفکر و ماندگاری در فعالیت عملی است.
 سوسیالیسم دموکراتیک و انسانی از نظر ما، پیمان نظامی است که در آن انسانها راسا سرنوشت خود را بدست می گیرند و خواستههای مادی و معنوی آنها در سطح عالی تری تامین می شود. سوسیالیسم عبارتست از فعالیت زنده توده ها. سوسیالیسم باید برابر حقوقی خلقها را با برسمیت شناختن استقلال و سنن ملی، زبان و فرهنگشان مد نظر قرار دهد.



- احزاب کمونیستی و کارگری در کشورهای رشد یافته صنعتی در راه دموکراسی ضد انحصاری مبارزه می کنند. پیکار کارگران متوجه از میان بردن بیکاری و افزایش سطح درآمد، شرکت در اداره تولید و تامین صلح و امنیت پایدار است.
 احزاب کارگری در کشورهای جهان سوم علیه رژیم های استبدادی و خودکامه در هرشکلی از اشکال آن، در راه آزادی و تامین استقلال و نیز عدالت اجتماعی می رزمند. در اکثر این کشورها حقوق بشر لگدمال می گردد و انسانها از ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک محروم هستند.
 - عدم موفقیت کشورهایی که راه رشد غیرسرمایه داری را در پیش گرفته بودند و عدول آنها از این "راه" شکست تئوری و پراتیک آن را عملا به اثبات رساند.



موضع حزب توده ایران در پیوند با نواندیشی نیز صریح و روشن است. حزب به نواندیشی در ارزیابی واقعیت ها در دو عرصه - خارجی و داخلی - معتقد است.

- در مقیاس جهانی نواندیشی با مسئله حیاتی بود و نبود تمدن بشری پیوند دارد. آغاز جنگ هسته ای، یعنی نابودی بشریت. از اینرو، حزب ما مبارزه در راه صلح را یکی از شعارهای اصلی روز می داند در عین حال حزب ما، در راه پیشرفت اجتماعی پیکار می کند. چنین مبارزه ای نیاز مبرم به صلح و امنیت در مقیاس جهانی دارد.

- حزب توده ایران اصل اولویت ارزش های همه بشری را باز هم با توجه به معضل جنگ هسته ای که بمضای نابودی بشریت است، می پذیرد. ما آزادی و عدالت اجتماعی را هم در آمیخته با مضمون ارزش های همه بشری می دانیم. از دیدگاه حزب ما، ارزش های همه بشری، شناسائی حق انسانها در تعیین سرنوشت، نفی استفاده از زور در مناسبات میان کشورها، دموکراتیزه کردن مناسبات بین المللی، تمهد همه دولتها در زمینه اجرای تمام و کمال اعلامیه حقوق بشر، احترام به تمامیت ارضی و استقلال ملی خلقها، مبارزه با گرسنگی و بیماری و فقر و بیسوادی در سراسر جهان و بالاخره ایجاد شرایط برای پایان دادن به واپس ماندگی اقتصادی کشورهای جهان سوم است.

- ما معتقد به وجود دیوار چین میان ارزش های همه بشری و منافع طبقاتی نیستیم. این دو دارای پیوند دیالکتیکی هستند و باید آن را در مبارزه سیاسی مورد توجه قرار دارد.

- مبارزه در راه رفع خطر نابودی تمدن بشری نباید به مثابه نفی پیکار میان محرومان و صاحبان ثروت بیکران ارزیابی گردد. آنچه مورد نظر است، رد جنگ به مثابه حربه حل تضادها و اختلافها میان کشورهاست.

- حزب توده ایران به اصل اپدولوژی زدائی در مناسبات میان دولتها بعنوان یکی از مسائل تئوری نواندیشی، در صورت پذیرش آن از جانب همه دول ارجح خواهد گذارد. البته از دید ما این اصل بهیچ وجه به معنای دست برداشتن از اعتقاد و سنن این و یا آن طرف نبوده و نیست.

- همزیستی مسالمت آمیز میان دولتها مورد قبول حزب توده ایران است از نظر ما محتوای این سیاست عبارت است از: قاطعیت در دفاع از اصول، انعطاف پذیری تاکتیکی، نفی تفکر سکناریستی و دگماتیستی، نفی زور به عنوان وسیله حل اختلاف میان کشورها.

- حزب ما، نواندیشی را به معنای عدول از مبارزه علیه امپریالیسم و توطئه های آن در کشورهای نظیر ایران نمی داند. به باور ما، بهره کشی از خلق های جهان سوم از جانب انحصارهای فراملی که به شکل نوین و با استفاده از اهرمهای سیاسی - اقتصادی تحقق می یابد، یکی از عوامل عمده تشدید وخامت بین المللی است. هرکنشی با واکنشی همراه است. بنابراین مبارزه علیه غارتگری امپریالیسم یکی از عناصر اصلی پیکار در راه تامین امنیت بین المللی است.

- رشد بیسابقه علم و فن کمک زیادی به تحکیم مواضع اقتصادی و مالا سیاسی امپریالیسم کرده است. در این راستا نیز، ما مبارزه علیه امپریالیسم را ضرور می شماریم.

در عرصه سیاست داخلی

استفاده از تئوری و پراتیک نواندیشی در سیاست داخلی پیوند تنگاتنگ با دوری از دگماتیسم و سکناریسم و ذهن گرایی و نزدیکی هرچه بیشتر به واقعیات در تحلیل رویدادها و پدیده ها

ساختاری در حاکمیت، ایجاد یک حکومت دمکراتیک براساس اراده مردم و تدوین و تصویب قانون اساسی نوین با مضمون طرد حکومت تئوکراتیک و استبدادی در هر شکل آن امکان پذیر است. - هرگونه "دشمنی" در برخورد به اندیشه ها و عقاید احزاب و سازمانهای سیاسی برخاسته از بطن جامعه و از آنجمله سازمانهای سیاسی - مذهبی را غیراصولی می داند و معتقد به مبارزه مسالمت آمیز و یا صریحتر گفته باشیم مسابقه عقاید و نظرات و برنامه ها و خط مشی های سیاسی گوناگون است. مسابقه و برخورد نظرات نیاز مبرم به استقرار آزادیهای دمکراتیک واقعی در جامعه و مراعات اکید آن از جانب همه نیروهای سیاسی حامل نظرات و ایدئولوژیهای گوناگون و دارندگان پایگاههای اجتماعی مختلف است.

- مبارزه در راه اتحاد نیروهای دارای عقاید و نظرات سیاسی گوناگون را یک هدف گذرا و موقتی نمی داند و آماده مبارزه مشترک در چارچوب جبهه واحد با همه احزاب و سازمانهای سیاسی و نیز شخصیت ها و جریانهای سیاسی - مذهبی است. در این زمینه یگانه موارد استثناء باید نیروهای دارای خصلت فاشیستی و نیز نژاد پرستانه و شوونیستی باشد.

- پذیرش هدف جبهه واحد و پیروی از آن را به معنای عقب نشینی شرکت کنندگان در جبهه واحد از مواضع اقتصادی - اجتماعی و سیاسی شان نمی داند. جبهه واحد فقط نهادی خواهد بود برای تجمع نیروهای ضد رژیم، بدون کوچکترین تبعیض، در یک مقطع زمانی معین، با سمت گیری مشخص به منظور دستیابی به مقدم ترین هدف ممکن که به نظر ما در حال حاضر طرد رژیم ولایت فقیه و تامین آزادی و صلح است.

- حق تعیین سرنوشت خلقها و اقلیت های ساکن ایران را به رسمیت می شناسد و هرگونه عمل قهرآمیز در مقابله با خواستههای عادلانه خلقها را محکوم می کند و علیه آن مبارزه خواهد کرد. فقط با اعطای حق خودمختاری واقعی به خلقها در چارچوب ایرانی واحد، می توان به انسجام و وحدت همه خلقها برای حل مشکلات عظیم اجتماعی - اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و... متناسب با سطح رشد کنونی جامعه نائل آمد.

- به وحدت و یکپارچگی و وابستگی متقابل در جهان معاصر اعتماد دارد و دیدگاههای خود را در زمینه سیاست خارجی براساس مبارزه در راه دمکراتیزه کردن مناسبات بین المللی، استقرار نظم نوین اقتصادی، برابری کشورها، اعم از کوچک و بزرگ، رشد یافته و در حال رشد، تنظیم می کند. - حامی ایجاد مناسبات اقتصادی، فنی، بازرگانی و فرهنگی عادلانه، برابر حقوق و پاسود متقابل با همه کشورهای جهان است.

- مخالف هرگونه دخالت خارجی در امور داخلی ایران، صرفنظر از اشکال تظاهر آن است. دستیابی به استقلال اقتصادی و مالا تامین استقلال سیاسی در چارچوب جهان یکپارچه و باوابستگی های متقابل هدف ماست. سرنوشت ایران را فقط مردم ایران باید تعیین کنند.

- مخالف صدور انقلاب و ضد انقلاب به هر شکل و توسط هر نیروی است.

- هیچیک از نیروهای سیاسی اپوزیسیون را به تنهایی آلترناتیو رژیم موجود نمی داند و از همه آنها دعوت می کند تا برای تحقق بخشیدن به آرمان میلیونها ایرانی ضد رژیم خودکامه قرون وسطائی مذهبی موقتا از طرح مسائل نفاق انگیز پرهیز جویند و با تکیه بر نقاط اشتراك، زمینه را برای اتحاد نیروها در راه تشدید مبارزه علیه رژیم حاکم فراهم آورند.

دارد. حزب باید سیاست خود را برپایه ارزیابی دقیق ساخت طبقاتی جامعه، تناسب نیروهای سیاسی و پایگاه اجتماعی آنها، باتوجه به منافع نیروهای محرکه تحولات بنیادی در جامعه قرار دهد. برخورد عقلانی و منطقی با واقعیات جامعه، سنگپایه مشی سیاسی حزب در مقیاس داخلی است.

از اینرو، حزب توده ایران:

- ارجحیت منافع همه خلقی به معنای خواستههای دمکراتیک عام را می پذیرد، معتقد به وجود پیوند عینی و انکارناپذیر میان مبارزه در راه دمکراسی و حرکت بسوی هدفهای استراتژیک، میان شیوه های انقلابی و رفرمیستی است.

- نظر نادرست شناسائی مارکسیسم به مثابه مجموعه ای از نسخه های از پیش آماده شده و رهنمودهای خشک و جامد را رد می کند و با هرگونه الگو برداری نیز مخالف است.

- بر آنست که باید همه مراحل گذار، برای دستیابی به هدف استراتژیک را دقیقاً مورد توجه قرار داد. این گذار، در کلیت خود، طولانی و درازمدت خواهد بود.

- پرهش از مراحل و یا طرح شمارهایی از قبیل ضرورت هژمونی پرولتاریا، دیکتاتوری پرولتاریا و یا انقلاب دمکراتیک خلق در لحظه کنونی و اعلام اینگونه شمارها به عنوان یگانه "نشانه" و "معیار" انقلابی گری را بمشابه محصول عدم درک قانونمندیهای رشد جامعه، رد می کند.

- هیچ مخالفتی با اصلاحات اجتماعی - اقتصادی برای برون رفت از بحران ساختاری کنونی نمی کند و خود را مؤلف به حمایت از آنها می داند.

- بنابه خصلت ملی و میهن دوستانه اش، مدافع تمامیت ارضی ایران است.

- خواهان نوسازی نیروهای مسلح از طریق ایجاد ارتش و نیروهای انتظامی واحد ملی و دمکراتیک مجهز به سلاحهای تدافعی است. وظیفه ارتش دفاع از مرزهای ایران خواهد بود.

- مخالف سرسخت استفاده از ارتش و دیگر نیروهای مسلح برای سرکوب جنبش اعتراضی مردم است. از این نظر، حزب حفظ "سپاه پاسداران انقلاب" را که به یک نهاد سرکوبگر خلق تبدیل شده، زائد می داند و خواهان ادغام آن با ارتش و کاهش چشمگیر مجموعه نیروهای مسلح است.

- مبارزه در راه آزادی و صلح و سرنگون کردن رژیم ولایت فقیه را یگانه راه مقبول در مرحله کنونی برای دستیابی به عدالت اجتماعی می داند. آزادی از نظر ما، عبارت است از: مراعات کامل آزادی های دمکراتیک مورد پذیرش بشریت متمدن و احترام به منشور حقوق بشر. در این چارچوب ما به مراعات اکید پلورالیسم سیاسی در کشور معتقدیم.

- بیکار در راه تامین صلح و امنیت در مقیاس بین المللی از سوئی و بیکار برای پایان دادن به وضع کنونی "ند جنگ و نه صلح" با عراق از طریق عقد قرارداد صلح، با در نظر گرفتن مناد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و نیز قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، تبعیت از اصل همزیستی مسالمت آمیز در مناسبات با همسایگان و دیگر کشورها، حل مسائل مورد اختلاف از راه مذاکرات سیاسی را وظیفه خود می داند. آزادی و صلح جدا از هم نیستند و دارای پیوند جدایی ناپذیر با یکدیگرند.

- "سرنگون کردن رژیم ولایت فقیه" را یک شمار مرحله ای می داند که هدفش از بین بردن اصل ضد خلقی و ارتجاعی "ولایت فقیه" به عنوان ستون فقرات ایدئولوژیک - سیاسی رژیم خودکامه قرون وسطائی مذهبی است. دستیابی به این هدف نیز فقط با تحول قرون وسطائی مذهبی است.

بحران ساختاری و راه برون رفت از آن از دیدگاه حزب توده، ایران

در کشور ما، رژیم دیکتاتوری قرون وسطائی مذهبی حکمفرماست. استبداد، در هر شکل آن، سد راه پیشرفت است. در شرایط استبداد، رشد واقعی نیروهای مولد به منظور دستیابی به استقلال اقتصادی ناممکن است. وقتی استبداد پوشش مذهبی پیدا می کند، طبعا تاثیر منفی آن تشدید می شود. ما با نظریه سران رژیم دایر بر اینکه گویا آزادی و استقلال فقط در رابطه با موجودیت "ولایت مطلقه فقیه" و دیدگاه های رهبران واپسگرای جمهوری اسلامی معنا می یابد، موافق نیستیم.

حزب توده ایران، آزادی و استقلال را جدا از هم نمی داند و معتقد است که استقلال سیاسی در عین حال پیوند ارگانیک با استقلال اقتصادی دارد. بدون اقتصاد مستقل، استقلال سیاسی معنای حقیقی خود را از دست می دهد. اما در عین حال، بدون وجود آزادیهای دموکراتیک از آن جمله آزادی بیان، قلم و اندیشه، آزادی احزاب، جمعیت ها، سندیکاها و اتحادیه های کارگری، آزادی تجمع، اعتصاب و نیز وجود پلورالیسم نظری، پیدا کردن مدل مناسب رشد اجتماعی - اقتصادی برای کشورمان در عصر پیشرفت سریع انقلاب علمی و فنی غیرممکن است.

رژیم حاکم بر ایران طی ۱۱ سال فرمانروائی انحصاری، نه تنها قادر نشد میزان وابستگی اقتصادی عمیق و فراگیر را کاهش دهد، بلکه آن را تشدید کرد و اصولا با "عقب راندن" سیر رشد اجتماعی - اقتصادی، انواع تضادهای نوین بر تضادهای گذشته که انقلاب بهمن ۱۳۵۷ محصول آنها بود، افزوده است.

کشور ما، مانند گذشته وابسته به درآمد ارزی حاصل از فروش نفت خام برای "امرار معاش" مردم است و این بیانگر خصلت تک کالائی اقتصاد و موید واپس ماندگی ژرف آن است. افت بیش از حد تولید ناخالص داخلی و نیز کاهش درآمد سرانه در مقایسه با سالهای قبل از انقلاب، با وجود افزایش نرخ رشد جمعیت، خود نشانه بارز تمیق اجتناب ناپذیر بحران در جامعه است.

به نظر ما، گسست شیرازه امور اجتماعی - اقتصادی و مالی و فقدان امکان سامان دهی آنها یکی از مهمترین نقطه ضعف های رژیم است.

ما برآنیم که در شرایط ادامه موجودیت ساختار کنونی حاکمیت، متکی بر اصل "ولایت فقیه"، راه برون رفت، حتی به معنای تسکین بیماری مزمن اقتصادی وجود نخواهد داشت و این برای میلیونها ایرانی فاجعه بار است.

ایران از نظر اقتصادی در زمره کشورهای واپس مانده قرار دارد. در شرایط رشد سریع تکنولوژی مدرن در جهان و استفاده گسترده از آن در صنایع، کشور ما در زنجیره پایانی تولید صنعتی است.

حزب توده ایران برای برون رفت از این وضع و با توجه به ضرورت بهره گیری از مجموعه امکانات مادی و معنوی جامعه برای تامین رشد اقتصادی سالم در لحظه کنونی وجود اقتصاد سه مالکیتی - دولتی، تعاونی، خصوصی - را در کشور ضرور می داند و معتقد است که عدول از این مدل به هر دلیلی، به صلاح کشور نبوده و نیست.

برای حزب همیشه، قبل از هر چیز، منافع خلق و سرنوشت کشور مطرح بوده و هست. ما برآنیم که حل مشکلات عظیم

اقتصادی - اجتماعی در شرایط مشخص - تاریخی کنونی، فقط با شرکت همه طبقات و لایه های اجتماعی امکان پذیر است.

حزب توده ایران طرفدار وجود بخش دولتی دموکراتیک است. این بخش باید از امکانات خود در آن رشته هایی استفاده کند، که بخش خصوصی و تعاونی قادر به سرمایه گذاری در آنها نیست. ما مخالف انحصار مالکیت دولتی و یا رشد بی کنترل آن هستیم. مدل سه مالکیتی مورد نظر ما، در عین حال که مخالف دولت سالاری است، حاکمیت مطلق بخش خصوصی را نیز نفی می کند. این به معنای خودداری از بکارگیری امکانات بخش خصوصی و رقابت آن با بخش دولتی نیست.

حزب توده ایران همیشه حامی مالکیت تعاونی و گسترش هرچه بیشتر آن بوده و هست. مدل سه مالکیتی پیشنهادی حزب، مستلزم حاکمیت دموکراتیک و غیر توتوکراتیک است. در این راه، عوامل داخلی نقش تعیین کننده را ایفا می کنند. در عین حال، عوامل خارجی نیز باید مورد توجه قرار گیرند.

حزب توده ایران معتقد به گسترش هرچه بیشتر همکاری در زمینه های گوناگون با همه کشورهای جهان است. ما به شرکت در تقسیم کار بین المللی جهت تسریع رشد اجتماعی - اقتصادی معتقدیم.

به نظر ما مرحله رشد اجتماعی - اقتصادی سه مالکیتی در کشور ما قطع نظر از اینکه چه نیرو یا مجموعه ای از نیروهای سیاسی حاکمیت را در دست داشته باشند درازمدت خواهد بود. در محدوده مدل سه مالکیتی رشد، هم بورژوازی و هم خرده بورژوازی و هم کارگران و دیگر زحمتکشان شهر و روستا باید در اداره تولید و دیگر امور شرکت کنند. فقط در اینصورت، حکومتی دارای ثبات سیاسی می توان بوجود آورد. چنین حکومتی رونمای نوین اقتصاد سه مالکیتی خواهد بود.

استراتژی سیاسی حزب توده ایران باید متوجه عملکرد موثر مدل اقتصاد سه مالکیتی به معنای پلورالیسم اقتصادی و سازماندهی جنبش همه خلقی برای دفاع سیاسی از مدل جدید در محدوده و عملکرد پلورالیسم سیاسی خواهد بود. به باور ما، همه این مکانیسم ها می توانند در چارچوب یک جبهه واحد نیروهای سیاسی موثرتر و کارا تر عمل کنند.

بدون تردید حزب ما زمانی می تواند مهر و نشان خود را بر پیشبرد امر اتحاد ها، در هر شکل و ترکیبی بزند که حضور خود را در جامعه هر چه بیشتر گسترش دهد. این نیز مستلزم تامین هرچه بیشتر انسجام و وحدت نظری - سیاسی و تقویت انضباط داوطلبانه از سوئی و دوری گزیدن از هرگونه سکتاریسم و دکماتیسیم از سوی دیگر است.

وظیفه سیاسی حزب توده ایران باید متوجه گسترش هرچه بیشتر پایه های اجتماعی خود در جامعه باشد. حزب صریحا اعلام می کند که آماده همکاری نزدیک و همه جانبه با احزاب و سازمانها و شخصیت های سخنگوی بورژوازی برپایه مراعات آکید پلورالیسم اقتصادی و سیاسی است.



برنامه عمل سیاسی حزب توده ایران برای کوتاه مدت از شفافیت و صافی و تبلور ویژه ای برخوردار است. یعنی حزب، حقایق را آنچنان که بدان معتقد است، صادقانه با نمایندگان همه طبقات و اقشار جامعه در میان می گذارد و در این محدوده صریحا اعلام می کند که مبارزه حزب توده ایران در راه آزادی و آزادیهای دموکراتیک هدف معین و مشخص پیشرفت اجتماعی را تعقیب می کند. برای دستیابی به این هدف هم شرکت همه مردم را ضرور می داند.